

تلویزیون هستند: کانال تلویزیونی به خوبی این را می‌دانست چونکه تبلیغات مابین فیلم را به « والت دینسی » پیشنهاد کرده بود و در واقع « والت دینسی » و ۱۳۰ گمانی دیگر پس از آنکه فیلم « آنها بیگناه بدنیآ آمده‌اند » را بطور خصوصی دیده بودند از تبلیغ در بین قسمت‌های مختلف فیلم چشم‌پوشی کردند!

و شاید اصل مسئله در همین نقطه باشد. تلویزیون در آمریکا صنعت پول‌ساز مطلقیت در سال ۱۹۷۷ مجموع در آمد ۲۵ شرکت بزرگ تلویزیون بالغ بر ۱۲۰ میلیارد دلار گردید - تا از این شرکت‌ها جزو صنعت شرکت بزرگ آمریکا هستند ، تمام درآمد این شرکت های تلویزیونی از راه تبلیغات و آگهی‌های تجاری تأمین می‌شود ، نرخ این آگهی‌ها گاهی اوقات از مرز ۱۴۰۰۰ دلار برای هر دقیقه می‌گذرد از طرف دیگر ۲۵ درصد این درآمد از راه آگهی‌های تجاری برای اطفال حاصل می‌گردد در سال ۱۹۷۷ صنایع اسباب سازی ۵۰ میلیارد دلار برای آگهی‌های تلویزیونی خرج کرده‌اند ابا به دانست که يك طفل آمریکائی روزانه بطور متوسط بیشتر اوقاتش را در برابر تلویزیون می‌گذرانند تا بر روی نیمکت مدارس! حال چه تجاوزه مذکور در بالا را بحساب بیاوریم یا خیر ، باید گفت که فیلم « آنها بیگناه بدنیآ آمده‌اند » موفقیت بزرگی نزد اطفال کمتر از ۱۵ سال داشت . بدان حد که سال بعد از نمایش فیلم تمام بچه‌های يك شبانه‌روزی دختران جوان در « ناکوما » در ایالت واشنگتن

بنامون خوشامد بچه‌های تازه وارد شبانه‌روزی آنها را اذیت و آزار می‌کردند که بنام « آنها بیگناه بدنیآ آمده‌اند » معروف شده بود . عقیده دکتر « ژرف نویسنده » استاد کرسی روانکاری در دانشگاه « جرج واشنگتن » و رئیس سابق انجمن آمریکائی روانکاری اطفال ، « پوزف نویسنده » به نظر من گفتن اینکه سازمان تلویزیون مسئول است بسیار ساده است تلویزیون در واقع نقش يك ماشه تفنگ را بازی کرده است ، چون هرگز ماشه تفنگ کسی را نكشته است و با بستن کسی بر آن فشار آورده که این شخص به دلیلی این کار را انجام دهد .

تلویزیون مثل فتیله‌ی دینامیت عمل می‌کند ولی زمینه روانی اشخاص نیز با بستن پذیر باشد به عقیده من آن چهار دختر دیگر کاملا آماده انجام دادن عملی بر روی يك طفل دیگر بوده‌اند حال این برنامه تلویزیون درست به موقع سر رسیده و سرمشق نسونه برای آنها شده است . حال این سرمشق توانست نمونه‌ی از يك تقلب یا هر جنایت باشد .

امکان داشت که آنها همین سرمشق را در

کوچه با رادیو یا يك کتاب ویا در روزنامهها کشف کنند ولی باید اذعان کرد که تلویزیون يك واسطه تصویری است نمونه‌ی عالی به انسان می‌دهد و دیگر هیچ احتیاجی به توهم و تصور کردن جنایت نیست .

تجربه نشان داده که اطفالی که شاهد

صحنه‌های خشونت بار هستند بازی‌های بچه گانه خشن تری دارند، هر چه طفل کوچکتر باشد تأثیر خشونت نیز بر او بیشتر است ولی يك جنگ در يك فیلم و سترن ویا يك تعقیب در يك فیلم، زیاد مضر نیست فکر می‌کنم که وسترن‌های « سام پکین پا » یا « سر جولتونه » را نباید به اطفال نشان داد بکنوع خشونت و آن‌هم به اندازه کم می‌تواند برای اطفال مفید باشد و به آنها اجازه دهد تا کمی خشونت ذاتی و لازم خود را از درون خود بدر آورند . بیهوده خیال پروری نکند چرا که شما اگر يك هفت تیر بچه گانه به طفل خود ندهید او دست خود را به عنوان پلایچه دراز کرده ویا دهن خود صدای « بان ، بان » را در می‌آورد!

متأسفانه امروزه پدران و مادران تعلیم

و تربیت اطفال خود را یکبارچه دست تلویزیون داده‌اند گمان می‌کنند این يك بچه نگهدار بی عیب و نقص کم خرج و همیشه آماده است! موضوع دیگری که نگران کننده است همانا مدت زمان نیست که اطفال جلوی تلویزیون می‌گذرانند .

جوانان آمریکائی به معنای واقعی کلمه معتاد تلویزیون شده ، و در مواقع خرابی یا قطع جریان برق می‌توان در آنها حالات بسیار مشابه آنچه که نزد معتادان مواد شیمیایی می‌بینیم را مشاهده نمود .

از : الی رانیه نول و اوبسرواتور
ترجمه از : علی اعتصامی

ناپلئون و مشران

ناپلئون سیاستمدار معروف جهان، روزی وارد کتابخانه شد و دستور داد کتابی را برایش بیاورند مترجم، کتابی را که آورد، قرآن بود و به این آیه برخورد که «ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوام و بشرا المؤمنین (سوره ۱۷ آیه ۹)

و برای وی ترجمه کردند: پس از بازگشت، ناپلئون آنشب را به این اندیشه بود و خواب راحتی نداشت فردا مجدداً در کتابخانه دستور داد تا آباتی از قرآن را برایش ترجمه کردند و روز سوم نیز، آنگاه دو جمله تاریخی را ابراز داشت و گفت: آنچه که من احساس کردم و از این کتاب استفاده نمودم این است که: اگر مسلمانان بدستورهای جامع این کتاب عمل نمایند روی ذلت و خواری را نخواهند دید. مگر اینکه مادر میان آنان و قرآن جدالی بیفتیم!

مهای سعادت ص ۹۶